بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوائی ارتش - 19 /بهمن/ 1388

بسم‌اللّه الرّحمن الرحیم
خیلی خوشامدید عزیزان ؛ سرداران و افسران و تلاشگران یك جبهه‌ی بسیار مهم از مجموعه‌ی جبهه‌ی مجاهدت انقلاب! روز نوزدهم بهمن، روز بسیار مهمی در تاریخ انقلاب است. در آن حادثه‌ی بزرگی که اکثر شما جوانها شنیده‌اید و ما آن را به چشم دیدیم، هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی خدائی و اخلاص وجود نداشت ؛ به همین جهت هم این حادثه در وقت خود بسیار اثرگذار شد و در تاریخ هم ماندگار گردید. این خصوصیتِ کار خدائی و مخلصانه است ؛ میماند، اثر میگذارد ؛ این اثر هم مخصوص همان زمانی که این پدیده واقع شد، نخواهد بود ؛ یك اثر مستمر و دائمی است. کار خدائی اینجوری است. آن روزی که جوانهای نیروی هوائی آمدند مدرسه‌ی علوی و با امام بیعت کردند و یك سدی را شکستند، یك خطشکنی بزرگ سیاسی کردند، نه پُستی در انتظار آنها بود، نه مقامی، نه پولی، نه حتّی تحسینی ؛ آنچه احتمالاً در انتظار آنها وجود داشت، تهدید بود و خطر. پس هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی خدائی وجود نداشت. آن روز این حادثه‌ی خدائی اثرگذار شد، امروز هم بعد از گذشت سی و یك سال همچنان اثرگذار است.
این روزها، روزهای دهه‌ی آخر صفر است ؛ روزهای بعد از اربعین است. اگر نگاهی کنیم به تاریخ صدر اسلام، این روزها روزهای زینب کبری (سلام اللّه علیها) است. آن کاری هم که زینب کبری (سلام اللّه علیها) کرد، یك کار از همین جنس بود ؛ یعنی کاری محضاً برای خدای متعال، در دل خطرها و محنتها و زحمتها ؛ یك ابراز وجود معنوی و الهی دین در چهره‌ی مصمم زینب کبری (سلام اللّه علیها). خوب است بدانیم و بفهمیم حروف تاریخ گذشته‌ی بسیار ارجمندی را که تا امروز منشأ برکات فکری و معرفتی شده است و ان‌شاءاللّه تا آخر دنیا هم خواهد بود.
زینب (سلام اللّه علیها)، هم در حرکت به سمت کربلا، همراه امام حسین ؛ هم در حادثه‌ی روز عاشورا، آن سختی‌ها و آن محنتها ؛ هم در حادثه‌ی بعد از شهادت حسین‌بن‌علی (علیه‌السّلام)، بی‌سرپناهی این مجموعه‌ی به جا مانده‌ی کودك و زن، به عنوان یك ولیّ الهی آنچنان درخشید که نظیر او را نمیشود پیدا کرد ؛ در طول تاریخ نمیشود نظیری برای این پیدا کرد. بعد هم در حوادث پی‌درپی، در دوران اسارت زینب، در کوفه، در شام، تا این روزها که روز پایان آن حوادث است و شروع یك سرآغاز دیگری است برای حرکت اسلامی و پیشرفت تفکر اسلامی و پیش بردن جامعه‌ی اسلامی. برای خاطر همین مجاهدت بزرگ، زینب کبری (سلام اللّه علیها) در نزد خداوند متعال یك مقامی یافته است که برای ما قابل توصیف نیست.
شما ملاحظه کنید ؛ در قرآن کریم، به عنوان یك نمونه‌ی کامل ایمان، خدای متعال دو زن را مثال میزند ؛ به عنوان نمونه‌ی کفر هم دو زن را مثال میزند. «ضرب اللّه مثلا للّذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا» ؛ (1) که این دو مثال، مربوط است به زنانی که نمونه‌ی کفرند. یعنی به عنوان نمونه، از مردان مثال نمی‌آورد ؛ از زنان مثال می‌آورد ؛ هم در باب کفر، هم در باب ایمان. «و ضرب اللّه مثلا للّذین امنوا امرأت فرعون» ؛ (2) یکی زن فرعون را به عنوان نمونه‌ی کامل ایمان مثال می‌آورد، یکی هم حضرت مریم کبری ؛ «و مریم ابنت عمران».
یك مقایسه‌ی کوتاه بین زینب کبری و بین همسر فرعون، عظمت مقام زینب کبری را نشان میدهد. در قرآن کریم، زن فرعون نمونه‌ی ایمان شناخته شده است، برای مرد و زن در طول زمان تا آخر دنیا. آن وقت مقایسه کنید زن فرعون را که به موسی ایمان آورده بود و دلبسته‌ی آن هدایتی شده بود که موسی عرضه میکرد، وقتی در زیر فشار شکنجه‌ی فرعونی قرار گرفت، که با همان شکنجه هم - طبق نقل تواریخ و روایات - از دنیا رفت، شکنجه‌ی جسمانی او، او را به فغان آورد: «اذ قالت ربّ ابن لی عندك بیتا فی الجنّة و نجّنی من فرعون و عمله» ؛ از خدای متعال درخواست کرد که پروردگارا! برای من در بهشت خانه‌ای بنا کن. در واقع، طلب مرگ میکرد ؛ میخواست که از دنیا برود. «و نجّنی من فرعون و عمله» ؛ من را از دست فرعون و عمل گمره‌کننده‌ی فرعون نجات بده. در حالی که جناب آسیه - همسر فرعون - مشکلش، شکنجه‌اش، درد و رنجش، درد و رنج جسمانی بود ؛ مثل حضرت زینب، چند برادر، دو فرزند، تعداد زیادی از نزدیکان و برادرزادگان را از دست نداده بود و در مقابل چشم خودش به قربانگاه نرفته بودند.

این رنجهای روحی که برای زینب کبری پیش آمد، اینها برای جناب آسیه - همسر فرعون - پیش نیامده بود. در روز عاشورا زینب کبری این همه عزیزان را در مقابل چشم خود دید که به قربانگاه رفته‌اند و شهید شده‌اند: حسین‌بن‌علی (علیه‌السّلام) - سیدالشهداء - را دید، عباس را دید، علی‌اکبر را دید، قاسم را دید، فرزندان خودش را دید، دیگر برادران را دید. بعد از شهادت، آن همه محنتها را دید: تهاجم دشمن را، هتك احترام را، مسئولیت حفظ کودکان را، زنان را. عظمت این مصیبتها را مگر میشود مقایسه کرد با مصائب جسمانی؟ اما در مقابل همه‌ی این مصائب، زینب به پروردگار عالم عرض نکرد: «ربّ نجّنی» ؛ نگفت پروردگارا! من را نجات بده. در روز عاشورا عرض کرد: پروردگارا! از ما قبول کن. بدن پاره پاره‌ی برادرش در مقابل دست، در مقابل چشم ؛ دل به سمت پروردگار عالم، عرض میکند: پروردگارا! این قربانی را از ما قبول کن. وقتی از او سؤال میشود که چگونه دیدی؟ میفرماید: «ما رأیت الا جمیلا». (3) این همه مصیبت در چشم زینب کبری زیباست ؛ چون از سوی خداست، چون برای اوست، چون در راه اوست، در راه اعلای کلمه‌ی اوست. ببینید این مقام، مقام چنین صدری، چنین دلدادگی نسبت به حق و حقیقت، چقدر متفاوت است با آن مقامی که قرآن کریم از جناب آسیه نقل میکند. این، عظمت مقام زینب را نشان میدهد. کار برای خدا اینجور است. لذا نام زینب و کار زینب امروز الگوست و در دنیا ماندگار است. بقای دین اسلام، بقای راه خدا، ادامه‌ی پیمودن این راه به وسیله‌ی بندگان خدا، متکی شده است، مدد و نیرو گرفته است از کاری که حسین‌بن‌علی (علیه‌السّلام) کرد و کاری که زینب کبری کرد. یعنی آن صبر عظیم، آن ایستادگی، آن تحمل مصائب و مشکلات موجب شد که امروز شما می‌بینید ارزشهای دینی در دنیا، ارزشهای رائج است. همه‌ی این ارزشهای انسانی که در مکاتب گوناگون، مطبق با وجدان بشری است، ارزشهائی است که از دین برخاسته است ؛ اینها را دین تحویل داده است. کار برای خدا خاصیتش این است.

از جنس همین کار، کار انقلاب بود ؛ لذا انقلاب ماندگار شد، ثبات و اقتدار معنوی و حقیقی پیدا کرد، دوام پیدا کرد. این انقلاب، انقلابی بود برای خدا. آن روزی که این انقلاب آغاز شد، این نهضت به وجود آمد، مثل نهضت احزاب نبود، مثل حرکت سیاسی حزبهای دنیا نبود که به قصد کسب قدرت باشد ؛ حرکتی بود در عین مظلومیت، برای اجرای احکام الهی، برای ایجاد جامعه‌ی اسلامی، برای استقرار عدالت در جامعه. آن کسانی که مجاهدت کردند تا انقلاب به پیروزی رسید، و آن کسانی که پای این انقلاب ایستادند و مجاهدت کردند تا این ثبات و دوام را پیدا کرد، نیتهای خالصشان بود. شهدای شما، شهدای نیروی هوائی، از این قبیل بودند. شهدای نیروهای مسلح، همه از این قبیل هستند. آن کسانی که برای خدا کار کردند، برای خدا تلاش کردند، خداوند هم به کارشان برکت داد. چیزی که دشمن انقلاب آن را نمیتواند درك کند، همین نکته است. چیزی که دستگاههای استکبار و صهیونیسم نمیتوانند بفهمند، همین مسئله است. نمیتوانند بفهمند که استحکام این بنا به خاطر این است که برای خداست، بر پایه‌ی اخلاص بنا شده است و با مجاهدت پیش رفته است. لذا انقلاب و نظام اسلامی دلها را تسخیر میکند.

شما نگاه کنید ببینید امروز چند هزار رسانه، اعم از صوتی و تصویری و انواع و اقسام رسانه‌های گوناگون، با مدرنترین شیوه‌ها علیه این نظام دارند کار میکنند. صدها مغز و فکر در اتاقهای فکر نشسته‌اند ؛ هر روزی یك حرفی، یك شعاری، یك فکری، یك ترفندی علیه این انقلاب دارند طراحی میکنند ؛ اما نمیتوانند به انقلاب و نظام اسلامی صدمه‌ای وارد کنند. این برای چیست؟ استحکام این بنا به خاطر بنا شدن بر اصل ایمان به خداست. آن کسانی که در این راه حرکت کردند، کار خدائی کردند.

این نظام، شبیه نظامهای دیگر نیست. امروز هیچ نظامی در دنیا نیست که این همه علیه او کار تبلیغاتی بکنند، کار سیاسی بکنند، فشار اقتصادی وارد کنند، تحریم وارد کنند و او بتواند اینجور مستحکم بایستد ؛ چنین چیزی در دنیا وجود ندارد. اما این نظام ایستاده است، بعد از این هم خواهد ایستاد ؛ این را همه بدانند. نه آمریکا، نه صهیونیسم، نه مجموعه‌ی مستکبران و زورگویان عالم، نه با وسائل سیاسی، نه با وسائل اقتصادی، نه با تحریم، نه با تهمت، نه با تحریك ایادی خود در داخل، نخواهند توانست اندکی این انقلاب را بلرزانند.

راز ماندگاری این انقلاب، اتکای به ایمانهاست ؛ اتکای به خداست. لذا شما می‌بینید آن روزی که توده‌ی عظیم مردم در سرتاسر کشور احساس کنند که دشمنی‌ای متوجه انقلاب است، احساس کنند که دشمنی جدی‌ای وجود دارد،

بدون فراخوان حرکت میکنند می‌آیند. روز نهم دی شما دیدید در این کشور چه اتفاقی افتاد و چه حادثه‌ای پیش آمد. دشمنان انقلاب که همیشه سعی میکنند راهپیمائی‌های میلیونی را بگویند چند هزار نفر آمده‌اند - تحقیر کنند، کوچك کنند - اعتراف کردند و گفتند در طول این بیست سال، هیچ حرکت مردمی‌ای به این عظمت در ایران اتفاق نیفتاده است ؛ این را نوشتند و گفتند. آن کسانی که سعی در کتمان حقائق درباره‌ی جمهوری اسلامی دارند، این را گفتند. علت چیست؟ علت این است که مردم وقتی احساس میکنند دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، می‌آیند توی میدان. این حرکتِ ایمانی است، این حرکتِ قلبی است ؛ این چیزی است که انگیزه‌ی خدائی در آن وجود دارد ؛ دست قدرت خداست، دست اراده‌ی الهی است ؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دلها دست خداست. اراده‌ها مقهور اراده‌ی پروردگار است. وقتی حرکت خدائی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود، خدای متعال اینجور دفاع میکند. لذا میفرماید: «انّ اللّه یدافع عن الّذین امنوا». (4) این را دشمنان نظام اسلامی نمیفهمند، تا امروز هم نفهمیدند ؛ لذا تحریم میکنند، حرف میزنند، روشهای گوناگون را به کار میگیرند، به خیال خودشان میگردند نقطه ضعف برای جمهوری اسلامی پیدا کنند ؛ گاهی اسم حقوق بشر را می‌آورند، گاهی اسم دموکراسی را می‌آورند ؛ ترفندهائی که امروز برای مردم دنیا حقیقتاً ترفندهای مسخره است. میگویند افکار عمومی ؛ اما افکار عمومی اگر این حرفها را از آمریکا و صهیونیسم باور میکرد، اینجور در دنیا، در کشورهای مختلف، ملتهای مختلف، در مواقع گوناگون، نفرت خودشان را از این سران مستکبر نشان نمیداند، که می‌بینید نشان میدهند. هر جا سفر میکنند، گروهی از مردم علیه‌شان شعار میدهند. پیداست که افکار عمومی دنیا فریب ترفندهای اینها را نخورده است.

آن کسانی دم از حقوق بشر میزنند که اوّلی‌ترین حقوق انسانها را، هم در زندانهایشان، هم در سرتاسر دنیا، هم در تعاملشان با ملتها، و حتّی با ملت خودشان زیر پا لگدکوب میکنند! اینها میگویند حقوق بشر! شکنجه را قانونی میکنند! این افتضاح نیست برای یك کشور؟ این مایه‌ی سرافکندگی نیست که یك کشوری شکنجه‌ی زندانیان را قانونی بکند و به شکل قانون در بیاورد؟ آن وقت اینها دم از حقوق بشر میزنند، دم از دفاع از حرمت انسان و کرامت انسان میزنند! خوب، بینندگان و شنوندگانی که در دنیا این حرفها و این ادعاها را می‌بینند و میشنوند و آنها را با آن رفتارهائی که میدانند، مقایسه میکنند، اینها را مسخره میکنند. کی این چیزها را از اینها باور میکند؟

دم از دموکراسی میزنند ؛ اما با مستبدترین و ارتجاعی‌ترین حکومتها در گوشه و کنار دنیا - از جمله در منطقه‌ی ما - عقد اخوت میبندند! امروز رژیمهائی که بیشتر مرتبط با آمریکا هستند، در منطقه‌ی خاورمیانه کی‌هایند؟ در شمال آفریقا کی‌هایند؟ از آنها مستبدتر وجود دارد؟ دم از دموکراسی میزنند ؛ آن وقت با جمهوری اسلامی - این مردم‌سالاری درخشان که قدرت این را دارد که هشتاد و پنج درصد از صاحبان رأی را به پای صندوق رأی بکشاند - به عنوان دموکراسی در بیفتند! خوب، این مسخره است ؛ این را همه میفهمند. بینندگان عالم، کسانی که میفهمند و قضایا را میدانند، این رویکرد آمریکائی را استهزاء میکنند.

ملت ایران، ملت هوشمندی است ؛ ملت هوشیاری است ؛ تجربه کرده است. این قضایا مال امروز هم نیست برادران عزیز! عده‌ای از شماها به یاد دارید، جوانها هم بدانند ؛ سی و یك سال است که این ماجرا بین دستگاه‌های استکبار و ملت ایران در جریان است. این قضایا مال امروز نیست ؛ هم این تهدیدهایشان که همیشه ناکام مانده، هم تحریمهایشان، هم بدگوئی‌هایشان، هم تهمتهایشان. جمهوری اسلامی در فضای بمباران تبلیغاتی، اینچنین توانسته به این پیشرفتها دست پیدا کند. امروز نیروی هوائی شما با نیروی هوائی اول انقلاب قابل مقایسه نیست. مهارتهای امروز شما، توانائی‌های امروز شما، تجهیزات امروز شما، پیشرفتهای نیروی انسانی، ابتکارهای گوناگون، با اول انقلاب قابل مقایسه نیست ؛ با بیست سال قبل هم قابل مقایسه نیست.

ما روزبه‌روز پیش رفتیم ؛ همه بخشهای کشور همین جور است. این کشوری که امروز آن توانائی‌های موشکی‌اش است، آن توانائی‌های زیست‌شناسی‌اش است، آن توانائی‌های هسته‌ای‌اش است، آن توانائی‌های لیزری‌اش است - که میدانید و شنیدید و اطلاع دارید - و در بخشهای گوناگون، توانائی‌هایش با این عظمت و با این درجه‌ی از اهمیت است، همان کشوری است که در اول انقلاب، ساده‌ترین تجهیزات را بایستی وارد میکرد ؛ باید از این و آن وام

میگرفت ؛ باید ابتدائی‌ترین امکانات را از دیگران میخرید، و نمیفروختند ؛ باید به چند برابر قیمت میخرید، و تهیدست بود. امروز این همان ارتش است، این همان نیروهای مسلح است، این همان مجموعه است، این همان نیروی هوائی است که امروز به این پیشرفتها نائل شده است، و همان مجموعه‌های گوناگون دانشگاهی و علمی و پژوهشی و فناوری است که به اینجا رسیده است. زیر بمباران همین دشمنی‌ها و تهدیدها و تحریمها ما به اینجا رسیدیم. ملت ایران را از تحریم میترسانید؟

آنچه که مهم است، این است که ملت عزیز ما اتحاد خود را حفظ کنند، وحدت کلمه را حفظ کنند. این وحدت کلمه، خاری در چشم دشمنان است. سعیشان این است که وحدت کلمه‌ی ملت را به هم بزنند. به گمان من مهمترین هدف از حوادث دوران فتنه‌ی بعد از انتخابات - این چند ماه - این بود که بین آحاد ملت شکاف بیندازند ؛ سعیشان این بود. میخواستند بین آحاد مردم شکاف بیندازند، و نتوانستند. امروز معلوم شده است که آن کسانی که در مقابل عظمت ملت ایران، در مقابل کار بزرگ ملت ایران در انتخابات ایستادند، آنها بخشی از ملت نیستند ؛ افرادی هستند یا ضد انقلاب صریح، یا کسانی که بر اثر جهالت خود، بر اثر لجاجت خود، کار ضد انقلاب را میکنند ؛ ربطی به توده‌ی مردم ندارند. توده‌ی مردم راه خود را ادامه میدهد ؛ راه خدا را، راه اسلام را، راه جمهوری اسلامی را، راه پیاده کردن احکام الهی را، راه رسیدن به عزت و استقلال در پناه اسلام را. ملت حرکتش اینجوری است.

البته یك عده‌ای از اول با این مخالف بودند. یك عده‌ای از اول مایل بودند که آمریکا بر سلطه و سیطره‌ی ظالمانه‌ی خود بر این کشور برگردد ؛ دنبال این بودند، الان هم پنهان نمیکنند. کسانی در بیرون کشورند، عواملی هم در داخل هستند ؛ در این شکی نیست. فرزندان کسانی که از این انقلاب زخم خوردند، فرزندان کسانی که مزدوری رژیم طاغوت را کردند، اینها که از بین نرفتند ؛ اینها هستند. همان کینه‌های سی ساله، امروز هم وجود دارد ؛ از اول هم بوده است. از اول انقلاب بودند، امروز هم هستند، بعد از این هم خواهند بود. یك عده‌ای هم هستند که از اساس با حاکمیت اسلام مخالفند، با فقه مخالفند ؛ چه برسد با فقیه. مسئله آنها، مسئله‌ی اسلام است. لیکن اینها همه افرادی هستند که مجموعه‌ی کوچکی را تشکیل میدهند.

این ملت عظیم، این عظمت ملی، در جهت اسلام، برای خدا، در راه خدا، با هم متفقند ؛ حرفشان یکی است، دلشان یکی است ؛ ولو سلائق سیاسی‌شان ممکن است مختلف باشد. این وحدت را میخواهند به هم بزنند. و ملت ایستاده است. روز بیست و دوی بهمن ان‌شاءالله به حول و قوه‌ی الهی ملت عزیز ایران نشان خواهد داد که چگونه با اتحاد خود، با وحدت کلمه‌ی خود، آنچنان مشتی به دهان همه‌ی مستکبرین، به آمریکا، به انگلیس، به صهیونیستها خواهد زد که باز هم مثل گذشته اینها را مبهوت کند.

جمهوری اسلامی راه خودش را - راه عزت در سایه‌ی اسلام، امنیت در سایه‌ی اسلام، عدالت در سایه‌ی اسلام، مردم‌سالاری در سایه‌ی اسلام و برخاسته‌ی از اندیشه‌ی اسلامی - ادامه خواهد داد و بدون هیچ تردیدی، بدون هیچ سستی‌ای پیش خواهد رفت و نسلهای آینده قضاوت خواهند کرد. و بدانید ؛ جوانهای امروز ما و نسلهای بعد از اینها خواهند آمد، با تجربه‌ی عظیم انباشته‌ی در دل این ملت در مواجهه‌ی با استکبار، و راه قله‌ها را ادامه خواهند داد و به این قله‌ها هم خواهند رسید. ملت ایران، شایسته‌ی رسیدن به قله‌هاست. ملتی که هوشمند است، دارای ابتکار است، دارای ایمان است، وقتی این ملت آزادی ناشی از اسلام را که انقلاب به ما عطا کرده است، داشته باشد، اینچنین ملتی در سیر خود، در حرکت خود، هیچ جا متوقف نخواهد شد. ان‌شاءالله این روز را شما جوانها خواهید دید. شما باید همت کنید. شما در بخش خودتان، و همه در بخشهای خودشان، تلاش کنند، همت کنند.

نیروی هوائی - همان طور که فرمانده محترم نیرو گزارش دادند - پیشرفتهای خوبی داشته است ؛ ما هم از پیشرفتهای خوب نیروی هوائی در بخشهای مختلف مطلعیم ؛ لیکن در عین حال هیچ توقفی جایز نیست. به وضع موجود قناعت نکنید. ابتکارها را به کار بیندازید. شما شایسته‌ی بیش از این هستید، و ملت شما شایسته‌ی نیروی هوائی حتّی مقتدرتر از این است. این مجموعه‌ی نیروهای مسلح - از جمله نیروی هوائی - باید بتوانند عزت ملت ایران را، استحکام ملت ایران را مشخص کنند و نشان بدهند ؛ مظهری باشند از ایستادگی و اقتدار این ملت، که ان‌شاءالله همین جور هم خواهد شد.

امیدواریم خداوند متعال شهدای عزیز نیروی هوائی و ارتش جمهوری اسلامی ایران و مجموعه‌ی نیروهای مسلح و همه‌ی شهدای عزیز را با اولیائشان محشور کند و روح مطهر امام بزرگوار ما را که این روزها غالباً ملت ایران بیش از دیگر ایام، آشنا و مأنوس و دلگرم به یاد و خاطره‌ی آن بزرگوار و عزیز هستند، با اولیائش محشور کند و قلب مقدس ولی‌عصر ان‌شاءالله از همه‌ی شما راضی باشد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

1) تحریم: 10
2) تحریم: 11
3) بحارالانوار ؛ ج 45، ص 116
4) حج: 38